

# ریشه‌شناسی فعل‌های زبان ایرانی

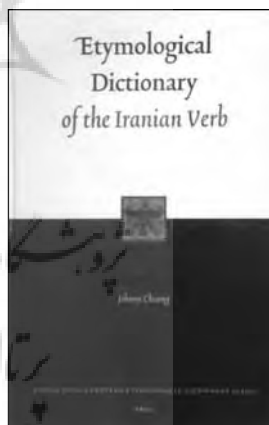
گفت و گو با جانی چونگ، برنده جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

آقای چونگ، اگر ممکن است، خودتان را برای خوانندگان ما معرفی نمایید و درباره رشته دانشگاهی‌ای که در آن تحصیل نموده‌اید، توضیحات لازم را بیان فرمایید.

**چونگ:** من جانی چونگ هستم و در رشته زبان‌های ایرانی تحصیل کرده‌ام. مقاله‌ها و کتاب‌هایی در زمینه زبان‌های مختلف، مثل زبانی که در قفقاز به آن زبان صحبت می‌شود، و نیز زبان پشتو - که در حقیقت بلخی قدیمی است - تألیف کرده‌ام. مدت‌هاست که در دانشگاه لیدن - که قدیم‌ترین دانشگاه هلند است - تدریس می‌کنم. لیدن، دانشمند معروف رشته هواشناسی است که به ادبیات عربی و فارسی علاقه زیادی داشت و به همین دلیل، این رشته‌ها را تأسیس کرد و من هم‌اکنون در بخش علوم انسانی این دانشگاه، در گروه زبان فارسی مشغول به کار هستم و تاریخ ایران، دستور فارسی و به طور کلی درس‌های مربوط به این حوزه را تدریس می‌نمایم. من در آمریکای جنوبی متولد شدم و در هلند رشد کردم و بزرگ شدم. پدر و مادرم از چین مهاجرت کرده‌اند و در هلند ساکن شده‌اند.

ظاهراً کتاب شما بخشی از یک تحقیق مفصل درباره ریشه‌شناسی زبان‌های هند و ایرانی است؛ حال اگر ممکن است، نخست درباره طرح و تحقیق اصلی توضیحات لازم را بیان نمایید تا در ادامه، بنده سؤالات خود را راجع به کتاب شما مطرح نمایم.

**چونگ:** همان‌گونه که مطلع هستید، زبان فارسی، از شاخه‌های هند و ایرانی است و من به عنوان یک زبان‌شناس، بر روی این زبان و نیز فرزندان این



اشاره

جانی چونگ، پژوهشگر هلندی است که در حوزه زبان‌های باستانی ایران مطالعه می‌کند. اخیراً کتابی به نام ریشه‌شناسی فعل‌ها در زبان‌های ایرانی (باستان، میانه و نو) از او منتشر شده است. این کتاب از جمله کتاب‌های برگزیده در حوزه مطالعات ایرانی جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران بود. گفت‌وگوی کتاب ماه ادبیات با آقای جانی چونگ را می‌خوانید.



خانواده، یعنی فارسی، یونانی، لاتینی... و حتی سانسکریت که هند و آریایی است، تحقیق کرده‌ام. دلیل علاقه‌مندی من به این زبان‌ها این بود که به منشأ پیدایش اقوام هند و اروپایی و نیز الهه‌های اصلی این اقوام پی ببرم. به نظر می‌آید اجتماع هند و اروپایی اصلی، اجتماعی پدرسالار بوده است؛ چرا که اسم پدر و اقوام او معلوم و مشخص است؛ حال آنکه اسم مادر و اقوام او نامعلوم است. همچنین اقوام هند و اروپایی از روی و آهن و سایر فلزات استفاده می‌کرده‌اند. خلاصه آنکه با استفاده از این اطلاعات می‌توان به مسائل زیادی که مربوط به زبان‌های هند و اروپایی است، پی برد.

همان گونه که مستحضر هستید، زبان از عناصر اصلی، نظیر آواشناسی (فونتیکی)، ساختارهای دستوری (ساخت کلمه یا جمله) و ... تشکیل شده است. حال اگر بخواهیم یک زبان را از منظر همه عناصر بررسی کنیم، باید همه این جنبه‌ها، یعنی تاریخ زبان و نیز تکامل آن را در دوره‌های مختلف در نظر بگیریم. به نظر می‌آید شما در کتاب خودتان، که با عنوان ریشه‌شناسی فعل‌ها در زبان‌های ایرانی چاپ شده است، از میان این سه عنصر، یعنی واژه، دستور و آواشناسی، فقط بر روی واژه‌ها کار کرده‌اید و از دایره وسیع واژه‌ها نیز فقط فعل‌ها را بررسی نموده‌اید. حال سؤال من این است که آیا در طرح اصلی به بخش‌های دیگر واژگان و نیز دو عنصر دیگر زبان، یعنی دستور و آواشناسی، توجه نموده‌اید یا خیر؟

**چونگ:** سؤال بسیار خوبی مطرح کردید. واقعیت این است که در این زمینه ما اندکی محافظه کارانه عمل کرده‌ایم. همان گونه که اطلاع دارید، فعل‌هایی مثل «شنیدن» و «کردن» و ... قدیم‌تر هستند و کاربرد بیشتری دارند؛ حال آنکه شمار زیادی از فعل‌های زبان فارسی، مثل «فکر کردن»، از اسم‌های عربی ساخته شده‌اند و حالت ترکیبی دارند. بنابراین ما تصمیم گرفتیم این نوع افعال را کنار بگذاریم و بیشتر بر روی فعل‌های قدیم و اساسی تمرکز کنیم. البته بررسی سایر عناصر زبانی غیرممکن نیست؛ اما انجام این کار کمی دشوار است. کسی که به بررسی سایر عناصر زبانی می‌پردازد، باید بتواند درباره‌ی اینکه یک واژه از زبان‌های ایرانی آمده است یا نه، به درستی اظهار نظر کند. در زبان فارسی گاهی

به واژه‌هایی برمی‌خوریم که از زبان اشکانی آمده‌اند؛ واژه‌هایی نظیر «ژاله» و «امید» فارسی نیستند، بلکه اشکانی هستند. به طور کلی، آوای «ژ» فارسی نیست و از زبان اشکانی آمده است. بنابراین کلماتی که صدای «ژ» دارند، یا اشکانی و یا متعلق به زبان دیگری، مثل سغدی هستند؛ اما چون اهمیت زبان اشکانی بیشتر از سغدی است، حدس می‌زنیم که این کلمات از زبان اشکانی گرفته شده باشند.

بله؛ چون در بررسی دوره‌های مختلف تاریخی زبان فارسی متوجه می‌شویم که در دوره اشکانی، زبان اشکانی یا فارسی میانه اشکانی، زبان رسمی حکومت بوده است و نوشته‌ها و کتیبه‌های زیادی به این زبان وجود دارد. همین مسئله احتمال اینکه این واژه‌ها از زبان اشکانی وارد شده است را تقویت می‌نماید. مجدداً به کتابی که تألیف نموده‌اید، باز می‌گردم. موضوعی که شما به آن پرداخته‌اید، یعنی ریشه‌شناسی فعل‌های ایرانی، پیش از این نیز مورد توجه استادان ایرانی بوده و چندین کتاب در این حوزه تألیف شده است. حال سؤال من این است که آیا شما در پژوهش خود از این کتاب‌ها نیز استفاده کرده‌اید؟ و نیز کار شما چه ویژگی‌هایی دارد که در این کتاب‌ها مشاهده نمی‌شود؟

**چونگ:** همان گونه که اطلاع دارید، مدتی بعد از اینکه علوم ایران‌شناسی در اروپا تولد یافت، پژوهش‌ها بیشتر بر روی زبان‌های ایرانی قدیم‌تر متمرکز گردید و گویش‌های امروزی، نظیر مازندرانی، سمنانی و ... کمتر مورد توجه بود. در میان زبان‌های شرقی میانه نیز سغدی، ختنی و خوارزمی در ایران بیشتر مورد توجه است؛ مثلاً دکتر زرشناس و استاد ایشان، بدرالزمان قریب، تحقیقات مفصلی روی زبان سغدی انجام داده‌اند. هم‌اکنون نیز تعداد زیادی از متخصصان این حوزه، افرادی نظیر دکتر رضایی، دکتر محمود جعفری دهقی، دکتر سرکاراتی، دکتر ایران کلباسی، دکتر حسن دوست و دکتر منصوری، در این زمینه مشغول به فعالیت هستند.

من چندین سال پیش پژوهش روی فعل‌های ایرانی را آغاز کردم. چندی پیش متوجه شدم که آقای دکتر منصوری روی فعل‌های پهلوی کار کرده‌اند و کتابی در این حوزه تألیف نموده‌اند و متأسفانه به دلیل اینکه پروژه را به پایان رسانده بودم، دیگر نتوانستم از کتاب آقای دکتر منصوری استفاده کنم. البته همیشه کتاب‌های جدید و تازه‌ای در این حوزه تألیف می‌شود و به بازار کتاب عرضه می‌گردد؛ مثلاً اخیراً کتابی در زمینه فعل‌های بلوچی و کردی تألیف شده است. همچنین اطلاع یافته‌ام که لغتنامه کامل پهلوی نیز در دست تألیف است. البته تکمیل این لغتنامه منوط به آن است که تمامی متون پهلوی به طور کامل منتشر شود و تصحیح انتقادی بر روی آنها انجام شود. متأسفانه تا به امروز فقط چند متن پهلوی به طور کامل منتشر شده است و تا این متون چاپ نشود، نمی‌توان چنین لغتنامه‌ای را کامل کرد.

مروری بر تاریخ تحقیق و پژوهش روی زبان‌های باستانی ایران نشان می‌دهد که در گذشته مراکز دانشگاهی اروپا خیلی قوی و گسترده در این حوزه کار می‌کردند؛ از فرهنگ بزرگ بار تلمه که به زبان آلمانی نوشته شده است گرفته تا مجموعه آکتا ایرانی‌کا که دارای مقالاتی ارزشمند در این حوزه است و این هر دو، دست کم ۵۰-۱۰۰ سال

پیش فراهم آمده‌اند. اینها همه نشان‌دهنده آن است که در گذشته موضوع زبان‌های ایرانی بیشتر مورد توجه بوده است و در سال‌های اخیر دیگر چنین کارهایی مشاهده نمی‌شود. به نظر شما علت این امر چیست؟ هم‌اکنون وضعیت تحقیق و پژوهش در حوزه زبان‌های ایران باستان در لیدن هلند و سایر دانشگاه‌های اروپا چگونه است؟

**چونگ:** واقعیت این است که تألیف اثری مثل کتاب بارتلمه کار بسیار دشواری است و هر کسی از عهده انجام چنین کاری بر نمی‌آید. مشکل دیگری که وجود دارد، مربوط به مسائل مالی و اقتصادی است. انجام چنین کارهایی به حمایت‌های مالی نیازمند است و متأسفانه این حمایت‌ها امروزه بسیار کم‌رنگ است. البته در پاریس یک مرکز علوم ایرانی و هندی وجود دارد که بر روی زبان‌های ایرانی باستان تحقیق می‌کند. کتابی نیز در این حوزه تألیف شده (از کوریش تا اسکند) که از آغاز تولد هخامنشیان تا پایان حکومت هخامنشی، یعنی برقراری سلوکیه را بررسی کرده است. اما روی هم رفته این تحقیقات کم‌دامنه است و پژوهش در این حوزه باید با جدیت بیشتری مورد توجه قرار گیرد. من، هم بر روی زبان اوستایی تحقیق می‌کنم و هم پشتو. به زبان‌های دیگر نیز علاقه دارم و در حوزه این زبان‌ها تحقیق می‌کنم. حوزه کار متخصصان فقط یک زبان نیست و هر متخصص چندین زبان را بررسی می‌کند.

**چرا متخصصان نمی‌توانند هر کدام بر روی یکی از این زبان‌ها تمرکز کنند و آن زبان را به طور گسترده بررسی کنند؟ شما علت این امر را در چه می‌دانید؟**

**چونگ:** عناصر زیادی باید کنار هم قرار گیرد تا این امر امکان‌پذیر شود. اولین چیزی که باید وجود داشته باشد، علاقه است؛ به این معنا که متخصص باید با در نظر گرفتن علاقه خود، زبانی خاص را برای تحقیق و پژوهش انتخاب نماید. همچنین تحقیق بر روی هر زبانی نیازمند آن است که پروفیسوری آشنا به آن زبان وجود داشته باشد. امروزه در تحقیق و پژوهش‌های زبانی، گرایش متخصصان بیشتر بر روی موضوعات مدرن است و زبان‌های قدیم کمتر مورد توجه است. در گذشته کارشناسانی بودند که بر روی زبان سانسکریت کار می‌کردند. گروهی نیز بودند که زبان‌های آسیای جنوبی، یعنی هندی و غیره، را بررسی می‌کردند. اما پژوهش بر روی این زبان‌ها امروزه دیگر چندان مورد توجه نیست. هم‌اکنون تمرکز پژوهشگران بیشتر بر روی تاریخ و زبان‌های مدرن است؛ مثل زندیه و قاجاریه و غیره.

نکته دیگری که لازم می‌دانم خدمت شما عرض نمایم، این است که پژوهش اصلی ما بر روی شاهنامه بوده است و این پروژه تا پایان سال به انتها می‌رسد. بعد از تمام شدن این پروژه نیز قصد داریم شعر دوره بعد از انقلاب، خصوصاً اشعار دفاع مقدس، را بررسی کنیم. خلاصه اینکه توجه به موضوعات مدرن باعث می‌شود که موضوعات قدیم کنار رود.

**به نظر شما مسائل سیاسی‌ای که بین حکومت‌ها وجود دارد، مثلاً مسائل سیاسی موجود بین کشورهای اروپایی و ایران، در روند این پژوهش‌ها تأثیر دارد یا خیر؟ و این مسائل تا چه اندازه پژوهش‌های ایران‌شناسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟**

**چونگ:** بدون شک مسائل سیاسی از جمله اثرگذارترین مسائل در روند این

پژوهش‌هاست. در اروپا دانشگاه‌هایی که وابسته به دولت هستند، ناچارند از سیاست‌های دولت پیروی نمایند. البته مؤسسات غیردولتی نیز در این زمینه فعالیت می‌کنند؛ اما فعالیت‌های آنها عمومی و علنی نیست. خلاصه آنکه سیاست‌بازی‌های موجود بین کشورهای در روند این پژوهش‌ها اثر می‌گذارد. برای نمونه، چندی پیش پژوهش مربوط به تخت جمشید در دانشگاه شیکاگو متوقف شد و این بسیار تأسفبرانگیز است. تحقیق در علوم و یافتن دانش جدید باید کاملاً بیطرفانه باشد؛ حال آنکه عملاً چنین نیست.

**اگر درباره کتابی که تألیف نموده‌اید، توضیح خاصی در نظر دارید، بفرمایید.**

**چونگ:** این تحقیق بخشی از پروژه‌های بزرگ‌تر، یعنی زبان‌های هند و اروپایی است و ما در این پروژه سعی داریم به ریشه همه زبان‌های هند و اروپایی پی ببریم و قصد داریم در این زمینه لغتنامه‌ای بر مبنای پژوهش‌های کورنی تنظیم نماییم. پروژه بعدی ما نیز تألیف لغتنامه‌ای برای زبان‌های ایرانی است.

**شما در کتاب خود ریشه فعل‌های زبان ایرانی را بررسی کرده‌اید. آیا افراد دیگری هستند که دیگر عناصر زبان را موضوع پژوهش خود قرار دهند؟**

**چونگ:** نکته‌ای که در این مورد لازم است خدمت شما عرض کنم، این است که بررسی سایر عناصر زبان، مثلاً «اسم»، کار بسیار دشواری است و برای متخصصان غیر ایرانی دشواری این کار چندین برابر است. در بررسی این عناصر نه تنها گویش‌شناسان ایرانی، بلکه کارشناسان زبان‌هایی مثل اوستایی، پهلوی، فارسی میانه و غیره نیز باید حضور داشته باشند، که چنین چیزی عملاً ممکن نیست. کتابی که من در زمینه ریشه‌شناسی فعل‌ها تألیف کرده‌ام، با وجود اینکه مشکلات حوزه‌هایی نظیر اسم را ندارد، باز هم خالی از اشکال نیست. بنابراین به نظر می‌آید ریشه‌شناسی سایر اجزای زبان، مثلاً «اسم»، دارای دشواری‌های بیشتری است و بدون حضور گویش‌شناسان و نیز کارشناسان زبان‌های ایرانی پژوهش در این حوزه غیرممکن است و انجام چنین کاری دست کم چندین دهه به طول می‌انجامد. تاکنون لغتنامه ریشه‌شناسی برای برخی زبان‌ها، مثل اکدی، تألیف شده است؛ اما تألیف لغتنامه ریشه‌شناسی برای همه زبان‌های ایرانی کاری گسترده است و به زمان زیادی نیاز دارد.

**در پایان اگر درباره کتاب و یا موضوعات مربوط به آن مطلب خاصی در نظر دارید، بفرمایید.**

**چونگ:** به نظر من تحقیق روی گویش‌های ایرانی باید در اولویت کار پژوهشگران قرار گیرد؛ چرا که این گویش‌ها در شمار گویش‌های آرکائیک است و مدت‌ها در مناطق مختلف به کار رفته است. تألیف لغتنامه ریشه‌شناسی فارسی نیز مسئله دیگری است که باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. یک ایرانی ارمنی به نام گارنیک آساتوریان، که رئیس یکی از دانشگاه‌های ایروان است، با حمایت مالی از طرف ایران و نیز با کمک همکاران خود به تألیف لغتنامه ریشه‌شناسی فارسی اقدام نموده است. فهم متون اوستایی نیز موضوع دیگری است که پژوهشگران حوزه زبان‌های ایرانی باید به آن توجه داشته باشند.

**از اینکه در گفت‌وگوی امروز شرکت نمودید، از شما سپاسگزارم.**